

روزی که چشم ها از وحشت خیره بماند. آیا انسان
هنگام مرگ چشم هایش خیره نیست؟



میدانید که هست، پس مرگ
هر شخصی هنگامه ی قیامت
اوست، هنگامه وارد شدن به
ترازوی عدل الهی است.

بطورکلی هنگام وقوع قیامت
همگان ناتوان بر اجرای عمل

خواهند شد و هیچ عملی برای آنها امکان پذیر نمی
باشد، پس چگونه است که شخص بخواهد در آن لحظه
محدود آن لحظه بدون توانائی انجام عمل، مدت حیات
خود را بررسی و جبران مافات نماید، این امری غیر
ممکن است.

آیا تا به حال مورد ترس و وحشتی سنگین واقع شده
اید؟

ترس فکر را مختل و اعضای بدن را ساکن و خشکیده
می نماید که در آن هنگام کوچکترین حرکتی نمی توان

انجام داد، خداوند در طول زمان فرصت های زیادی به انسانها داده است تا آنکه دریابند ناتوانند، و در هر زمان دانش لازم را القا نمود تا آنکه انسانها از گرفتاریهای خود ساخته رها شده و شکرگزار او باشند و تنها او را به یکتائی باور داشته باشند، ناتوانی آنان که فرصت عمرشان پایان یافته است با چشم حقیقت بین دریابید،
آیا پیری و درماندگی خودشان را چاره سازند؟

آیا فرزندان و آشنایان می توانند او را از چنگال مرگ نجات بخشند؟ و آیا دارائی های دنیوی و ظاهری آنها هیچ سودی برایشان دارد؟

پیامبران و اندیشمندان هستند که تراوشی از اندیشه خود را برای راهنمایی هموعان بجای گذاشته اند، و انجام حسابرسی یعنی انجام عدالت الهی همان عدالتی که بارها توسط پیامبران هشدار آن داده شده است.

قانون عدل الهی آن است که همگان حضور داشته باشند پس آنان که در گذشته پیروی رسولان خدا را نموده باشند به هنگام قیامت بهره مند از ذاتی مثبت خواهند بود و آنانکه با دستورات پیامبران مخالفت

کرده باشند و راه تضاد راه آنان را پیموده باشند دارای ذاتی منفی هستند، حال تا آنکه فرصت باقی است ذات خود را در اعمال، گفتار و افکار خود جویا شوید و چنانچه بر اساس منطق عدالتگرا خود را منفی یافتید توبه نمائید و رهرو راه حق شوید و چنانچه اعمال، گفتار و افکار شما مثبت است آنها را تقویت نمائید و به انتظار وقوع قیامت باشید.

حال بدانید که صفات مثبت دامنه ای گسترده با تواناییهای بالا دارند و صفات منفی دامنه ای محدود و ناتوان دارند که با برخورد نمودن آنها



باهم صفات منفی محو در صفات مثبت خواهند شد و دایره حرکت آنها متوقف می شود.

در آن روز انسان گوید کجا مفر و پناهی خواهد بود؟

انسان خطا کار در آن روز هم باز دنبال آرامشگاهی است که هرگز به آن دست پیدا نخواهد نمود.

آنگاه که خود را در عظمت الهی شناختی، خدا را شناخته ای، آنگاه که چنین شدی به روز قیامت ترس و هراسی نداری بلکه واقع گردیده ای به آرامگاه الهی، خود را لایق آرامگاه خاکی نکنید که آنجا برزخی بیش نمی باشد، خود را با پاک شدن از آلودگی ها لایق آرامگاه الهی کنید که تحت هر شرایطی آرامش تنها آنجا می باشد.

هرگز مفری نیست.
تنها پناه و آرامش
انسان اعمال نیک
اوست، جایگاه روز
قیامت هر شخصی تنها
مزین است به اعمال
مثبت انجام شده توسط
او، زیرا تنها صفات
مثبت است که در آن



روز توانائی دارند و صفات منفی محکوم به فنا خواهد شد و توان خود را از دست خواهند داد، انسان در حال فرار از خود است، فراری از انجام داده های خود، حصاری که خود سازنده آن بوده ولی چشم، بینا بر آن نبوده است، **آنگاه که فرمان شد چشم حقیقت بین منتظر دیدار چه هستی؟**

دیداری حیرت انگیز، باورنداری خود ساخته ها را، قبل قیامت همگی سستی ها و تبلی ها، کم و کاستی های خود را به دیگران نسبت می دادی، حال چه شده است که نسبت ها فرو ریخته است، کدامین را مورد قبول داری، **خود باید قاضی خودت باشی**، قضاوتی بالاجبار بر اساس عدالت، روزگاری عدالت را از یاد برده بودی، ناعادلانه و بر اساس کبر و خودپسندی، غرور و جهل و نادانی هر عمل منفی را مثبت ارزیابی می نموده ای، چه شده است توانمندی های شیطانی تو؟

آن شد که فرمان است فنا و نابودی شیطان ها، فصل، فصل عدالت الهی است، باید آن شود که حقیقت محض

بود، گریزانی از حقایق، نمی خواهی ببینی بت های شیطانی ساخته دست خود را چاره ای نیست، بنگر آنچه را بواسطه جهل خود ارزشمند می پنداشتی، ارزش های بشری محکوم به فنا شده است، **ارزش های الهی تو چه می باشد**، صفت های خود را دریاب، بنگر ترازوی عدالت الهی را و بدان وارد به آن خواهی شد، بدان قیامت را که اجرای عدالت است، بدان جایگاه فرود خود را، عاقبت خواهی نشست به همان جایگاهی که لایق آن هستی، هرگز موفق به فرار و گریز از جایگاه اختصاص داده نخواهی شد، به نیکی بساز جایگاهی اعلا در جهت آرامش ابدی، آن روز جز درگاه خدا هیچ آرامگاهی نیست. آنگاه که مجری عدالت، خداوند شد آرامشگاهی جز حضور قرب او وجود نخواهد داشت.

آنگاه که فرمان صادر شود همگان واقع آن خواهند شد و هیچ شخصی قادر به خروج از دایره فرمان خداوندی نیست، انسان جوینده آرامش کجا می تواند بدست آورد آرامش را، الا آنکه آشنا باشد بر تحمل فشارها و بداند

که در پس فشار وارده ، رحمت الهی بر وجود او جاری خواهد گشت، آنان که در حال حاضر تحمل فشارهای وارده را ندارد بدانند که با اعمال انجام شده شان در جهت رفع فشارها خود را از رحمت خداوند بی نصیب خواهند نمود، فشارهای ظاهری وارد شد تا آنکه انسان بتواند به خودشناسی درآید و اما چون اشخاص تحمل فشار ننمودند خواستند با هر نوع عملی چه مثبت و چه منفی رفع فشار نمایند و با رفع فشارهای وارده مخصوصا با انجام عمل منفی خود را از رحمت خداوندی دور ساختند، و چنین شد که عدم خودشناسی باعث گردید انسان مرتبا واقع رنج و دردها و ناآرامیها قرار گیرد، **آنانکه جویای خودشناسی و آنگاه خداشناسی هستند مرتبا خواهند شکست و دوباره ساخته خواهند شد** که این شکسته شدن و ساخته شدن بایستی آنقدر تکرار شود تا آنکه شخص بتواند به موجودیت حقیقی خود دست پیدا کند، بدانید که عمل شکسته شدن چون عمل مرگ است و فشار بسیار سنگینی را بر شخص وارد خواهد نمود و آنگاه در پس تحمل فشار مرگ،

رحمت تولدی دوباره نهفته است، تولد به درک
ودانائی برتر و دیدار توانائی های بیشتر در وجود خود،
آنان که به استمرار می شکنند و دوباره متولد می شوند
به دانش و توان برتر کاملاً درک مفاهیم دارند و می
فهمند . بدانید که جویندگی حق و حقیقت تنها با تحمل
فشارها ی وارده امکان پذیر است. **آیا شخصی را**
خارج از دایره فشار سراغ دارید؟ بسیاری فشارهای
وارده را تحمل می کنند که به دارائی های دنیوی دست
پیدا نمایند که این نوع تحمل فشارها هیچ سود حقیقی
برای آنها به دنبال نخواهد داشت، تنها فشارمبارزه با
خواسته های نفسانی ست که مفید می باشد.